

وَ يُقَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَ  
 لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعَثُوا فِي الْأَرْضِ  
 مُفْسِدِينَ ﴿٨٥﴾ بَقِيَتْ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۚ  
 وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ﴿٨٦﴾ قَالُوا يُشْعِبُ أَصْلَوْتِكَ  
 تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا  
 مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿٨٧﴾ قَالَ يُقَوْمِ  
 أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَ رَزَقَنِي مِنْهُ  
 رِزْقًا حَسَنًا ۚ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا  
 أَنهَكُمْ عَنْهُ ۚ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ ۚ  
 وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ ۚ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ  
 ﴿٨٨﴾ وَ يُقَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ  
 مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ ۚ  
 وَ مَا قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ ﴿٨٩﴾ وَ اسْتَغْفِرُوا  
 رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ ۚ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿٩٠﴾

و ای قوم من، پیمانۀ و ترازو را با انصاف و عدل پر کنید و از اشیای مردم [چیزی را] کم نکنید و در زمین فساد نکنید. ﴿۸۵﴾

«باقیمانده خدا برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید، و من بر شما نگاهبان [مأمور بر اجبارتان به ایمان] نیستم.» ﴿۸۶﴾

گفتند: «ای شعیب، آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدران ما می‌پرستیدند رها کنیم، یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم؟ تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی! [این سخن را در مقام استهزاء به شعیب گفتند].» ﴿۸۷﴾

گفت: «ای قوم من، ببیندشید، اگر از جانب پروردگارم دلیل روشنی داشته باشم، و او از سوی خود روزی نیکویی به من داده باشد [آیا باز هم از پرستش او دست بردارم؟] من نمی‌خواهم در آنچه شما را از آن باز می‌دارم با شما مخالفت کنم [و خود مرتکب آن شوم]. من قصدی جز اصلاح [جامعه] تا آنجا که بتوانم، ندارم، و توفیق من جز به [یاری] خدا نیست. بر او توکل کرده‌ام و به سوی او باز می‌گردم.» ﴿۸۸﴾

و ای قوم من! مبادا دشمنی شما با من باعث شود که شما هم به سرنوشت قوم نوح، یا قوم هود، یا قوم صالح گرفتار شوید؛ و قوم لوط هم چندان از شما دور نیستند. ﴿۸۹﴾  
و از پروردگار خود آموزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید که پروردگار من مهربان و دوستدار [بندگان توبه کار] است.» ﴿۹۰﴾

- دوره امامت امام زمان علیه السلام با غیبت کوتاهی شروع شد که ۶۹ سال به طول انجامید. پس از آن، غیبتی طولانی آغاز شد که تاکنون ادامه دارد.
- در این درس با پاسخ سؤالات زیر آشنا می‌شویم:
- ۱- علت غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟
  - ۲- ایشان چگونه در دوران غیبت، پیروان خود را هدایت و یاری می‌کنند؟

حضرت مهدی علیه السلام<sup>۱</sup> دوازدهمین امام ما، در سپیده‌دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ.ق، در «سامرا» متولد شد و تا سال ۲۶۰ هـ.ق، در کنار پدر بزرگوارش زندگی می‌کرد. امام حسن عسکری علیه السلام در این مدت، ایشان را از گزند حاکمان عباسی که تصمیم به قتل وی داشتند، حفظ نمود و با آنکه در محاصره نیروها و جاسوسان حاکمان بود، ایشان را به بعضی از یاران نزدیک و مورد اعتماد خود نشان می‌داد و به عنوان امام بعد از خود معرفی می‌کرد.

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ ق، امامت امام مهدی علیه السلام آغاز شد. آن حضرت از ابتدای امامت خود که تاکنون ادامه دارد، دو غیبت داشته است. اول، غیبتی که تا سال ۳۲۹ هـ.ق طول کشید و «غیبت صغری» نامیده می‌شود. امام در این دوره، با اینکه زندگی مخفی داشت، اما از طریق چهار نفر از یاران صمیمی و مورد اعتماد، پیوسته با پیروان خود در ارتباط بود و آنان را رهبری می‌کرد. این چهار شخصیت بزرگوار به «نواب اربعه» و «نواب خاص» معروف‌اند.<sup>۲</sup> شش روز مانده به درگذشت آخرین نایب، امام عصر علیه السلام برای ایشان نامه‌ای نوشت و فرمود به فرمان خداوند، پس از وی جانشینی نیست و مرحله دوم غیبت آغاز می‌شود. به دلیل طولانی بودن این دوره از غیبت، آن را «غیبت کبری» می‌نامند.

### غیبت امام مهدی علیه السلام

خداوند نعمت هدایت را با وجود امامان تمام و کامل گردانیده و راه رسیدن به رستگاری را برای انسان‌ها هموار ساخته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، خود و امام علی علیه السلام را پدران امت معرفی فرموده است<sup>۳</sup> و روشن است که دلسوزی پدر برای فرزندان خود قابل توصیف نیست. اما فرزندان ناسپاس، قدر پدران مهربان خود را نشناختند و چنان در مسیر گمراهی پیش رفتند که یازده تن از رهبران آسمانی خود را شهید کردند.

درست است که حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس، ظالمانه و غاصبانه حکومت را به دست گرفته بودند و عاملان اصلی به شهادت رساندن امامان بودند، اما بیشتر مردم تسلیم این حاکمان شده بودند و با آنان مبارزه نمی‌کردند و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را انجام نمی‌دادند. اگر مردم آن دوره با این

۱- این عبارتی است که پس از نام بردن از حضرت مهدی گفته می‌شود و به این معناست که خداوند متعال ظهور آن حضرت را نزدیک فرماید.

۲- نایبان خاص امام عصر علیه السلام عبارت‌اند از: عثمان بن سعید (به مدت ۵ سال)، محمد بن عثمان (به مدت ۴۰ سال)، حسین بن روح نوبختی (۱۲ سال) و علی بن محمد سمری (۳ سال).

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «انا و علی ابوا هذه الامة»؛ «من و علی پدران این امتیم». علل الشرائع، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۲۷.

حاکمان ظالم، مبارزه می‌کردند، خلافت در اختیار امامان قرار می‌گرفت و آن بزرگواران، بیش از پیش مردم را به سوی توحید و عدل فرا می‌خواندند و جامعه بشری در مسیر صحیح کمال پیش می‌رفت. همان‌طور که در تاریخ نقل شده است، سخت‌گیری حاکمان بنی‌عباس نسبت به امام دهم و یازدهم تا حدی شدت یافته بود که آن بزرگواران را در محاصره کامل قرار داده بودند؛ زیرا آنان از اخباری که از پیامبر اکرم ﷺ و سایر امامان رسیده بود، مطلع بودند.

پیامبر اکرم ﷺ درباره دوازده جانشین خود با مردم سخن گفته بود و امام مهدی علیه السلام را به‌عنوان آخرین امام و قیام‌کننده علیه ظلم و برپاکننده عدل در جهان معرفی کرده بود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام و سایر امامان نیز از آن حضرت و مأموریتی که از جانب خدا دارد، یاد کرده بودند. از این رو، حاکمان بنی‌عباس درصدد بودند مهدی موعود علیه السلام را به محض تولد، به قتل برسانند.

از این رو، خداوند آخرین ذخیره و حجت خود را از نظرها پنهان کرد تا امامت در شکلی جدید و از پس پرده غیبت ادامه یابد و تا فراهم آمدن شرایط برای تشکیل حکومت جهانی از نظرها پنهان باشد. این غیبت آن قدر ادامه می‌یابد که نه‌تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی درک ظهور و بهره‌مندی کامل از وجود آخرین حجت الهی را پیدا کند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی‌ماند. اما خداوند، به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی‌شان در گناه، آنان را از وجود حجت در میانشان بی‌بهره می‌سازد<sup>۱</sup>.

#### تدبر کنید

خداوند در قرآن کریم<sup>۲</sup>، علت از دست دادن نعمت‌ها را این‌گونه بیان کرده است:

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

«خداوند نعمتی را که به قومی ارزانی کرده است، تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنها خود وضع خود را تغییر دهند. همانا که خداوند شنوا و داناست».

با تفکر در این آیه، عبارت‌های زیر را کامل کنید:

- ۱- اگر مردم نعمتی را که خدا به آنها داده است، درست استفاده نکنند، .....
- ۲- زمینه‌ساز هلاکت، یا عزت و سربلندی یک جامعه .....

#### چگونگی امامت حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت

برای درک درست رهبری امام در عصر غیبت، ابتدا باید توجه کنیم که امام را از آن جهت

۱- کتاب الغیبة، محمدبن ابراهیم نعمانی، مترجم: فهری زنجانی، ص ۱۵۹.

۲- سوره انفال، آیه ۵۳.

«غایب» نامیده‌اند که ایشان از نظرها «غایب» است، نه اینکه در جامعه حضور ندارد. به عبارت دیگر، ما انسان‌ها هستیم که امام را نمی‌بینیم، نه اینکه ایشان در بین ما نیست و از وضع ما بی‌خبر است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«حجت خداوند در میان مردم حضور دارد، از معابر و خیابان‌ها عبور می‌کند؛ به نقاط مختلف می‌رود، سخن مردم را می‌شنود و بر جماعت مردم سلام می‌کند...؛ تا اینکه زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی فرا می‌رسد. هان! آن روز، روز شادی فرزندان علی و پیروان اوست»<sup>۱</sup>.

به دلیل غایب بودن ایشان، بهره‌مندی از امام در عصر غیبت کاهش می‌یابد. از این رو آن حضرت خود را به خورشید پشت ابر تشبیه کرده‌اند<sup>۲</sup>. در این دوره، نه امکان حکومت و ولایت ظاهری آن امام هست و نه امکان تشکیل جلسات درس و تعلیم معارف و احکام دین. لذا این بهره‌مندی، منحصر به «ولایت معنوی» می‌شود که نیازمند ظاهر بودن بین مردم نیست. ایشان به اذن خداوند از احوال انسان‌ها آگاه است، افراد مستعد و به‌ویژه شیعیان و محبان خویش را از کمک‌ها و امدادهای معنوی خویش برخوردار می‌سازد. امام عصر علیه السلام در نامه‌ای به شیخ مفید<sup>۳</sup>، از علمای بزرگ اسلام، می‌فرماید:

«ما از اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ‌چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست».

ایشان در ادامه همین نامه می‌فرماید:

«ما در رسیدگی [به شما] و سرپرستی شما کوتاهی و سستی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند»<sup>۴</sup>.

هم اکنون نیز امام عصر علیه السلام سرپرست، حافظ و یاور مسلمانان است. هدایت باطنی افراد، حل بعضی از مشکلات علمی علما، خبر دادن از پاره‌ای رویدادها، دستگیری از درماندگان و دعا برای مؤمنان، نمونه‌هایی از یاری‌رسانی‌های آن حضرت است. چه بسیارند افرادی که از یاری آن امام برخوردار می‌شوند، بدون آنکه ایشان را بشناسند.

۱- کتاب الغیبة، نعمانی، ص ۱۴۴.

۲- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۳- شیخ مفید در سال ۳۸۱ ق، به مرجعیت شیعیان رسید و تا سال ۴۱۳ ق، به مدت ۳۲ سال مرجعیت شیعیان را برعهده داشت. شیخ مفید بالغ بر ۲۰۰ عنوان کتاب و رساله تألیف کرد و شاگردان بزرگی چون سیدمرتضی، سیدرضی و شیخ طوسی تربیت کرد و در تحکیم جایگاه تشیع در جهان اسلام بسیار مؤثر بود.

۴- الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷.

اصولاً، تمام امامان از ولایت معنوی بهره‌مندند و علاوه بر راهنمایی‌های ظاهری، می‌توانند به اذن خداوند، از طریق معنوی و غیبی نیز نیازهای مؤمنان را پاسخ دهند و آنان را به سوی مقصود هدایت کنند.

از همین‌رو، در عصر امامان دیگر هم، انسان‌هایی که آمادگی لازم را کسب کرده بودند، مورد توجه معنوی ائمه اطهار علیهم‌السلام قرار می‌گرفتند و نور حکمت و معرفت بر قلب‌های آنان می‌تابید و هدایت می‌یافتند.

بنابراین، دوره غیبت، به معنای عدم امامت امام عصر علیه‌السلام نیست؛ بلکه رهبری حقیقی مسلمانان هم‌اکنون نیز به‌عهده ایشان است؛ اما این رهبری را انسان‌های عادی حس نمی‌کنند؛ همان‌طور که برخی از انسان‌ها فواید خورشید پشت ابر را در نمی‌یابند و مشاهده نمی‌کنند. اگر شب، عالم را فراگیرد و خورشید هیچ‌گاه طلوع نکند، آن زمان است که نعمت وجود خورشید پشت ابر نیز بر همگان روشن خواهد شد.

البته آن حضرت دو مسئولیت «تعلیم و تبیین دین (مرجعیت علمی)» و «حکومت و ولایت ظاهری» خود را به عالمان دین واگذار کرده است که در دروس بعد به آن خواهیم پرداخت.

### بیشتر بدانیم

نمونه‌ای از هدایت معنوی و امداد امام عصر علیه‌السلام در عصر غیبت یکی از بزرگ‌ترین فقهای شیعه، علامه حلی متوفای «۷۲۶» ق است که با تألیف کتاب‌های گران‌قدرش حق بزرگی بر شیعیان دارد.

علامه معمولاً در شب‌های جمعه به زیارت سید الشهداء علیهم‌السلام می‌رفت. در یکی از این شب‌ها شخصی در میانه راه، همراه او شد و با او به گفت‌وگو مشغول شد. چون قدری با هم سخن گفتند، علامه متوجه شد که این شخص، فردی بسیار عالم و متبحر است از این‌رو، مشکلاتی که برای او در علوم دینی حل نشده مانده بود، یک‌به‌یک از آن شخص سؤال می‌کرد و او پاسخ می‌داد. تا اینکه علامه به یکی از پاسخ‌های آن شخص ایراد گرفت و گفت: حدیثی در خصوص آنچه شما می‌گویید نداریم.

آن مرد گفت: شیخ طوسی در کتاب تهذیب حدیثی در این باب ذکر کرده که در فلان صفحه و فلان سطر، آمده است.

علامه در حیرت شد که این شخص کیست؟ گفت‌وگو را با او ادامه داد. تا اینکه در بین یکی از سؤالاتش از او پرسید: آیا در این زمان که غیبت کبری است می‌توان امام زمان را دید؟ و در این

هنگام چوب‌دستی که در دست علامه بود، از دستش افتاد. آن مرد خم شد و چوب‌دستی را از زمین برداشت و به دست علامه داد و فرمود: چگونه امام زمان را نمی‌توان دید و حال آنکه دست او در میان دست توست؟

با شنیدن این جمله علامه بر زمین افتاد و از هوش رفت و چون به هوش آمد کسی را ندید. پس از آنکه به خانه بازگشت به سراغ کتاب تهذیب رفت و آن حدیث را در همان ورق و همان صفحه و همان سطر که آن حضرت بیان کرده بودند یافت. علامه به خط خود در حاشیه آن حدیث نوشت: این حدیث، آن چیزی است که امام زمان علیه السلام با ذکر صفحه و سطر از این کتاب نشان داد<sup>۱</sup>.

### اندیشه و تحقیق

۱- خداوند در آیه ۱۱ سوره رعد می‌فرماید: «خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند».  
با توجه به این آیه، علت غیبت امام عصر علیه السلام را توضیح دهید.

### پیشنهاد

- اگر قطعه‌ای ادبی، شعر، خاطره یا داستانی جذاب درباره امام مهدی علیه السلام سراغ دارید، آن را در قالب طرحی زیبا ارائه دهید یا در کلاس بخوانید.
- احساس لطیف خود درباره امام عصر علیه السلام را در گفت‌وگویی صمیمانه با ایشان به قلم بیاورید.

### معرفی کتاب

#### منابع برای مطالعه بیشتر

| مخاطب           | انتشارات       | نویسنده      | نام کتاب   |
|-----------------|----------------|--------------|--|
| دانش‌آموز       | انتشارات حضور  | پورسید آقایی | پیدای پنهان  |
| معلم/ دانش‌آموز | بوستان کتاب قم | جواد محدثی   | صبح امید   |
| معلم/ دانش‌آموز | —              | علی دوانی    | امام زمان <small>علیه السلام</small> در گفتار دیگران |
| معلم/ دانش‌آموز | بنیاد مهدویت   | —            | نگین آفرینش  |
| معلم/ دانش‌آموز | بنیاد مهدویت   | —            | هشت قدم  |

۱- مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۷۳؛ قصص العلماء، تنکابنی، محمد، ص ۳۵۹.



إِنَّمَا كَانَتْ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ  
 لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ  
 هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥١﴾ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ  
 وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٥٢﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ  
 جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنْ نَأْمُرَ تَهُمْ لِيَخْرُجُنَّ قُلُوبَهُمْ لَأَتَقَسِمُوا  
 طَاعَةً مَعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٥٣﴾ قُلْ  
 أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ  
 مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا  
 وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٥٤﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ  
 آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ  
 فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ  
 لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ  
 خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ  
 بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ  
 وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٥٦﴾

گفتار مؤمنان، هنگامی که به [قانون] خدا و [داوری] پیامبر فراخوانده شوند تا میانشان داوری کند، جز این نیست که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم. اینانند رستگاران. ﴿۵۱﴾

زیرا هرکس از خدا و پیامبرش فرمان ببرد و از [عذاب] خدا بترسد و از او پروا کند، تنها چنین کسانی به سعادت نایل می‌گردند. ﴿۵۲﴾

با سوگندهای مؤکد خود به خدا قسم خوردند که اگر آنان را به جهاد در راه خدا فرمان دهی، قطعاً به سوی میدان نبرد بیرون می‌روند. به آنان بگو: سوگند یاد نکنید، اطاعت پسندیده [بهتر است]. بدانید که خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. ﴿۵۳﴾

بگو: خدا و پیامبر را اطاعت کنید. پس اگر روی گردانیدید، [به وی زبانی نمی‌رسد، چرا که] فقط بر عهده اوست آنچه بدان تکلیف شده است و بر عهده شماست [اطاعت از] آنچه بدان تکلیف شده‌اید. و اگر از پیامبر فرمان برید، هدایت خواهید یافت، و بدانید که بر رسول خدا جز ابلاغ آشکار پیام وظیفه‌ای نیست. ﴿۵۴﴾

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که آنان را در زمین جانشین کند [و حکومت بخشد]؛ چنان که امت‌های پیشین را در زمین جانشین قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است غالب و چیره نماید، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند. تا مرا عبادت و بندگی کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند، و هرکس پس از آن، به کفر گراید، اینانند که از راه خدا بیرون رفته‌اند. ﴿۵۵﴾

و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و پیامبر را اطاعت کنید، تا مورد رحمت خدا قرار گیرید. ﴿۵۶﴾

برآی آفتاب صبح امید      که در دام شب هجران اسیرم

عقیده به «موعود» و «منجی» در اسلام و به خصوص در تشیع، اعتقادی عمیق و استوار است. این عقیده در میان ارادتمندان به اهل بیت علیهم السلام چنان ریشه دارد که آثار و جلوه‌های آن در زندگی روزانه‌شان مشاهده می‌شود. در این درس، می‌خواهیم دو مسئله را بررسی کنیم و به آنها پاسخ دهیم:

۱- آیا اعتقاد به «موعود» و «منجی» فقط اختصاص به ما مسلمانان دارد؟

۲- مسئولیت ما تا زمان ظهور آن حضرت چیست؟

## آینده تاریخ

زندگی انسان‌ها همواره صحنه مبارزه حق و باطل بوده است. در جبهه حق، خداپرستانی حضور دارند که در راه عدالت و دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان تلاش کرده‌اند و صفحات تاریخ را زیبایی و شکوه بخشیده‌اند. در جبهه باطل، خودخواهان و خودپرستانی بوده‌اند که شرک و ستمگری پیشه ساخته و برای رسیدن به امیال خود، از انسان‌ها بهره‌کشی کرده‌اند و فساد و بی‌بندوباری را رواج داده‌اند. امروز نیز در صحنه جهانی، دو جبهه حق و باطل حضور دارند و مستکبران بر محرومان و مستضعفان ستم می‌کنند و حق‌طلبان نیز به مبارزه با آنان می‌پردازند.

اکنون جای طرح این سؤال است که:

سرانجام این مبارزه چه خواهد شد؟ آیا روزی ستمگران قدرت خود را از دست خواهند داد؟ خداپرستان معتقدند که چون خداوند حکیم، جهان را اداره می‌کند، جامعه بشری بالاخره به سمت کمال خواهد رفت و حق و عدل بر باطل و ظلم، پیروز خواهد شد و اداره جهان به دست حق‌طلبان خواهد افتاد.

### تدبیر کنید

قرآن کریم، در برخی از آیات، درباره آینده زندگی انسان‌ها در زمین سخن گفته و وعده‌هایی داده است. برخی از این آیات را در اینجا ذکر می‌کنیم تا با آینده جهان از دیدگاه قرآن آشنا شویم:

— وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ، كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...

خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد، همان‌طور که قبل از آنان کسانی را جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برای آنان پسندیده است، به سودشان مستقر سازد و بیم و ترسشان را به امنیت مبدل کند تا مرا بیرستند و به چیزی شرک نوزند.<sup>۱</sup>

— وَ تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] قرار دهیم و آنان را وارثان [زمین] کنیم.<sup>۲</sup>

۱- سوره نور، آیه ۵۵.

۲- سوره قصص، آیه ۵.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرُثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

به راستی در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشته ایم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می برند.

در این آیات ببینید و آینده ای را که خداوند برای هر یک از موارد زیر تعیین کرده است،

مشخص کنید :

- |                        |                    |
|------------------------|--------------------|
| ..... ۱- مؤمنین صالح   | ..... ۴- شرک       |
| ..... ۲- مستضعفین      | ..... ۵- دین حق    |
| ..... ۳- بندگان شایسته | ..... ۶- بیم و ترس |

### موعود و منجی در ادیان

پیامبران الهی، برای تحقق این وعده الهی (پیروزی حق بر باطل در آینده تاریخ) از یک طرح الهی سخن گفته اند. آنان اعلام می کنند که گرچه مستکبران نمی خواهند، اما روزی جامعه بشری آماده پذیرش حق خواهد شد و یک رهبر و ولی تعیین شده از جانب خداوند ظهور می کند و حکومتی عادلانه در جهان تشکیل می دهد.

این عقیده اصلی همه پیامبران الهی است، اما تعلیمات هر پیامبری، جز پیامبر خاتم، پس از وی دستخوش دگرگونی شد؛ یکی از این دگرگونی ها، مربوط به چگونگی ظهور و تشکیل حکومت جهانی بود. با وجود این، همه در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی اتفاق نظر دارند.

از این رو، اعتقاد به منجی در بین پیروان پیامبران، فرصت ارزشمندی است برای همکاری میان آنها و تلاش برای تحقق آرمان های بزرگ همه پیامبران الهی، مانند خداپرستی، عدالت، اخلاق و نفی حاکمیت کفر و ستم بر جهان. این همکاری سبب نزدیکی و همدلی حق طلبان و مانع توطئه های ستمگران می شود.

### بیشتر بدانیم

– یهودیان معتقدند که هنوز «مسیح» و منجی نیامده است، روزی مسیح خواهد آمد و دین حضرت موسی علیه السلام را در جهان گسترش خواهد داد و عدالت را برقرار خواهد کرد.

– مسیحیان بر این باورند که حضرت عیسی علیه السلام همان منجی و موعود آخرالزمان است. آنان معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام در شبی که مأموران به مخفیگاهش حمله کردند، دستگیر شد؛ روز بعد، او را به صلیب کشیدند و کشتند و سه روز پس از مرگ، از صلیب پایین آوردند و دفن کردند.

اما ایشان زنده شد و از قبر به آسمان رفت. او دوباره ظهور می‌کند و انسان‌ها را نجات می‌دهد.<sup>۱</sup>  
— در آیین زرتشتی، اعتقاد به سُوشیانت که به معنای منجی و رهاننده است، اعتقاد رایجی است  
و در متون زرتشتی به ظهور این موعود بشارت داده شده است.<sup>۲</sup>

## موعود در اسلام

ما مسلمانان نیز مانند پیروان سایر ادیان الهی عقیده داریم که در آخرالزمان منجی انسان‌ها، ظهور خواهد کرد و جهان را به نهایت عدل خواهد رساند. این منجی، امام مهدی علیه السلام است که از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.

در کتاب‌های حدیثی اهل سنت تأکید شده که امام «مهدی» از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت فاطمه علیها السلام است، البته آنان معتقدند که امام مهدی علیه السلام هنوز به دنیا نیامده است.<sup>۳</sup> ما شیعیان معتقدیم که بنا بر سخنان صریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام، موعود و منجی انسان‌ها، دوازدهمین امام و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و با توجه خاص خداوند به حیات خود ادامه می‌دهد، تا اینکه به اذن خداوند ظهور می‌کند و حکومت جهانی اسلام را تشکیل می‌دهد. البته مشخص بودن پدر و مادر امام زمان علیه السلام، این فایده را دارد که اگر ماجراجویان فریبکاری بخواهند خود را مهدی موعود معرفی کنند، به زودی شناخته می‌شوند و مردم هوشیار، فریب آنها را نمی‌خورند. و اعتقاد به زنده بودن آن حضرت و حضور ایشان در جامعه فواید زیر را دارد:

اول، اینکه پیروان آن حضرت، از یک سو، امام خود را حاضر و ناظر بر خود می‌یابند و می‌دانند که ایشان از حال مسلمانان آگاه‌اند و از فداکاری‌ها و مجاهدت مؤمنان اطلاع دارند و از سوی دیگر، آنان می‌توانند خواسته‌های خود را با امام خود همانند دوستی صمیمی در میان بگذارند و برای به دست آوردن رضایت ایشان، تلاش کنند.

دوم، اینکه جامعه به صورت‌های گوناگون از هدایت‌های امام و از ولایت معنوی ایشان برخوردار می‌گردد.

---

۱— قرآن کریم، کشتن و به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی علیه السلام را به صراحت رد می‌کند و می‌فرماید که «آنان در این مسئله دچار اشتباه شدند» سوره نساء، آیه ۱۵۷.

۲— «سوشیانت» یا «سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان» از علی اصغر مصطفوی.

۳— تاریخ بخاری، ج ۳، ص ۳۴۳، کتاب مهدی، سیدصدرالدین صدر، ج ۴، ص ۱۰۷ و مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۴، ص ۵۵۷.

## مسئولیت‌های منتظران

اکنون لازم است ببینیم در دورهٔ غیبت امام عصر علیه السلام، چه مسئولیت‌هایی بر عهدهٔ منتظران ظهور هست.

در اینجا به مهم‌ترین این مسئولیت‌ها اشاره می‌کنیم.

**۱- تقویت معرفت و محبت به امام:** فرزندان به پدر و مادر خود محبت بیشتری دارند که به دلسوزی و مهربانی آنان بیشتر آگاه شده‌اند. پیامبر و امام از پدر و مادر نیز برای مؤمنان مهربان‌ترند و آنان که چنین معرفتی را به دست آورده‌اند، محبت بیشتری به پیامبر و امام دارند. افزایش معرفت به امام عصر علیه السلام و تقویت محبتی که به دنبال آن می‌آید، وظیفهٔ هر مسلمانی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنانی ضمن معرفی همهٔ امامان، دربارهٔ امام عصر علیه السلام می‌فرماید:

«هرکس که دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند، ولایت و محبت امام عصر علیه السلام را بپذیرد»<sup>۱</sup>.

ضرورت تقویت معرفت و محبت بدان جهت است که عصر غیبت، عصر دودلی‌ها و شک و تردیدهاست. در این دوره، فتنه‌های گوناگون و اندیشه‌های رنگارنگ پیدا می‌شوند و بی‌ایمانی را تبلیغ می‌کنند. مؤمن حقیقی، با افزایش معرفت خود، تردیدها را کنار می‌زند و با یقین، برای فردای روشن آماده می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود:

«بزرگ‌ترین مردمان در ایمان و یقین، کسانی‌اند که در روزگاران آینده زندگی می‌کنند، آنان پیامبرشان را ندیده‌اند، امام آنها در غیبت است و فقط به سبب خواندن قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام [و تفکر در آنها] ایمان می‌آورند»<sup>۲</sup>.

شناخت جایگاه امام در پیشگاه الهی، آشنایی با شیوهٔ حکومت‌داری ایشان به هنگام ظهور، آشنایی با صفات و ویژگی‌های ایشان در سخنان معصومین علیهم السلام از عوامل مؤثر در معرفت و محبت به امام زمان علیه السلام و از بین رفتن تردیدها است.

### تفکر در حدیث

با توجه به توضیحات قبل، در این حدیث بیندیشید و بگویید چرا پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ      هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد،  
مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.      به مرگ جاهلیت مرده است.<sup>۳</sup>

۱- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۳۶، ص ۲۹۶.

۲- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

۳- الغدير، علامه امینی، ج ۱۰، ص ۳۵۹، به نقل از بزرگان اهل سنت مانند تفتازانی در کتاب شرح مقاصد، ج ۲، ص ۲۷۵.

## ۲- پیروی از فرمان‌های امام عصر علیه السلام: منتظر حقیقی تلاش می‌کند که در عصر غیبت،

پیرو امام خود باشد و از ایشان تبعیت کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«خوشا به حال کسی که به حضور «قائم» برسد، در حالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد.<sup>۱</sup>»  
مراجعه به عالمان دین، عمل به احکام فردی و اجتماعی دین و مقابله با طاغوت از جمله دستورات امام زمان علیه السلام است که پیروان آن حضرت به دنبال انجام آن هستند. به عنوان نمونه، تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و برکنار کردن حاکمان ستمگر یکی از علائم پیروی از امام عصر علیه السلام است.

## ۳- آماده کردن خود و جامعه برای ظهور: منتظر، عصر غیبت را عصر آماده‌باش برای

یاری امام، تلقی می‌کند و خود را سربازی برای یاری آن حضرت به حساب می‌آورد. او هر لحظه منتظر است ندای امام علیه السلام در جهان طنین‌انداز شود و مردم را برای پیوستن به حق فراخواند.

امام صادق علیه السلام در توصیف یاران امام زمان علیه السلام می‌فرماید:

«یاران مهدی علیه السلام مردمانی مقاوم، سرشار از یقین به خدا و استوارتر از صخره‌ها هستند؛ اگر به کوه‌ها روی آورند، آنها را متلاشی می‌کنند.<sup>۲</sup>»

امام علی علیه السلام درباره کسانی که با امام بیعت می‌کنند، می‌فرماید:

«امام با این شرط با آنها بیعت می‌کند که در امانت خیانت نکنند، پاک‌دامن باشند، اهل دشنام و کلمات زشت نباشند، به ظلم و ستم خون‌ریزی نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق آزار ندهند، ساده‌زیست باشند و بر مرکب‌های گران‌قیمت سوار نشوند، لباس‌های فاخر نپوشند، به حقوق مردم تجاوز نکنند، به یتیمان ستم نکنند، دنبال شهوت‌رانی نباشند، شراب ننوشند، به پیمان خود عمل کنند، ثروت و مال را احتکار نکنند... و در راه خدا به شایستگی جهاد نمایند<sup>۳</sup>.»

اما چه کسانی می‌توانند در هنگام ظهور این ویژگی‌ها را داشته باشند؟

کسانی که قبل از ظهور آن امام، در صحنه فعالیت‌های اجتماعی و نبرد دائمی حق و باطل، در جبهه حق، حضوری فعال داشته باشند و با ایستادگی در مقابل شیاطین درون و برون، ویژگی‌هایی همچون شجاعت، عزت‌نفس و پاک‌دامنی را در خود پرورانده باشند.

کسی که در عصر غیبت تنها با گریه و دعا سر کند و در صحنه نبرد حق‌طلبان علیه مستکبران حضور نداشته باشد، در روز ظهور، به علت عدم آمادگی، مانند قوم موسی علیه السلام به امام مهدی علیه السلام خواهند گفت: «تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما اینجا می‌نشینیم<sup>۴</sup>.»

۱- «قائم» یکی از لقب‌های امام زمان علیه السلام و به معنای قیام‌کننده است. ۲- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۳- بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۰۸.

۴- الملاحم و الفتن، سیدان طاووس، ص ۱۴۹.

۵- اشاره به آیه ۲۴ سوره مائده.



در حقیقت، انتظار، یک عمل است، یک قیام است. منتظر تسلیم وضع موجود نمی‌شود؛ به امید آینده‌ای روشن تلاش می‌کند؛ از یأس و ناامیدی سخن نمی‌گوید. منتظر، به همان اندازه که به آینده امید دارد و مشتاق امام زمان است، از گذشته نیز درس می‌آموزد و عاشق سیدالشهدا است و به حماسه بزرگش عشق می‌ورزد. همان‌طور که برخی جامعه‌شناسان گفته‌اند، پویایی جامعه شیعه در طول تاریخ، به دو عامل وابسته بوده است:

۱- گذشته سرخ؛ اعتقاد به عاشورا، آمادگی برای شهادت و ایثار.

۲- آینده سبز؛ انتظار برای سرنگونی ظالمان و گسترش عدالت در جهان، زیر پرچم امام عصر علیه السلام.

یاران امام، پیشتازان تحول جهانی و سازندگان تمدن اسلامی‌اند. هسته مرکزی این یاران ۳۱۳ نفر، به تعداد یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ بدر هستند که بنا به فرموده امام باقر علیه السلام ۵۰ نفر از آنان از زنان‌اند<sup>۱</sup>. همچنین در احادیث آمده است که بیشتر یاران امام را جوانان تشکیل می‌دهند<sup>۲</sup>. بکوشیم که با ایجاد آمادگی در خود از یاران نزدیک امام عصر علیه السلام باشیم.

### بیشتر بدانیم

رهبان معظم انقلاب اسلامی درباره ویژگی‌های منتظران می‌فرماید:

درس دیگر اعتقاد به مهدویت و جشن‌های نیمه شعبان برای من و شما این است که هرچند اعتقاد به ظهور امام مهدی - ارواحنا فداه - یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسئله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد؛ یعنی به عنوان یک آرزو در دل یا حداکثر در زبان، یا به صورت جشن، نه؛ این آرمانی است که باید عمل به دنبال آن بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته‌اند فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان علیه السلام آماده کنیم. سربازی امام زمان علیه السلام کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی، آگاهی و روشن بینی دارد. عده‌ای این اعتقاد را وسیله‌ای برای تخدیر خود، یا دیگران قرار می‌دهند؛ این غلط است. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان علیه السلام خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم. نه، برعکس. ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم<sup>۳</sup>.

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۳.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۱۰۷.

۳- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

**۴- دعا برای ظهور امام :** در انتظار ظهور بودن، خود از برترین اعمال عصر غیبت است؛ زیرا فرج و گشایش واقعی برای دینداران با ظهور آن حضرت حاصل می‌شود. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید :  
«منتظر فرج الهی باشید و از لطف الهی مأیوس نشوید و بدانید که محبوب‌ترین کارها نزد خداوند، انتظار فرج است.»<sup>۱</sup>

لازمه این انتظار، دعا برای ظهور امام عصر علیه السلام است. بر این اساس، خواست خود را این‌گونه به درگاه خداوند عرضه می‌داریم :

«خدا یا ! از تو آن دولت با کرامتی را طلب می‌کنیم که با آن، اسلام و اهلش را عزیز می‌گردانی و نفاق و اهلش را خوار می‌سازی، ما را در آن دولت از دعوت‌کنندگان به طاعت خود و رهبران به سوی راهت قرار ده و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن بر ما ارزانی دار.»<sup>۲</sup>

### نگاهی به جامعه مهدوی

امام عصر علیه السلام زمانی ظهور می‌کند که مردم جهان از همهٔ مکتب‌های غیر الهی و مدعیان برقراری عدالت در جهان ناامید شده‌اند و با تبلیغی که منتظران واقعی کرده‌اند، دل‌های مردم به سوی آن منجی الهی جلب شده است. بیشتر مردم همین که ندای امام و طرفداران ایشان را می‌شنوند، با شوق به سوی امام می‌شتابند. اما مستکبران و ظالمان در مقابل امام می‌ایستند که در نهایت شکست می‌خورند و حکومت جهانی امام تشکیل می‌شود. حکومتی که امام عصر علیه السلام تشکیل می‌دهد و جامعه‌ای که می‌سازد، همان حکومت و جامعه‌ای است که آرمان پیامبران الهی بوده و در طول تاریخ برای تحقق آن مبارزه کرده‌اند و بسیاری از انبیا و اولیا و زنان و مردان آزادهٔ جهان در راه آن، به شهادت رسیده‌اند. به عبارت دیگر، با تشکیل حکومت امام عصر علیه السلام همهٔ اهداف انبیا تحقق می‌یابد. در میان این اهداف به چند مورد آن اشاره می‌کنیم :

**۱- عدالت‌گستری :** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : «با ظهور امام عصر علیه السلام خداوند زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد، بعد از اینکه از ظلم و جور پر شده باشد»<sup>۳</sup>.

در جامعه مهدوی، قطب مرفه و قطب فقیر، طبقهٔ مستکبر و طبقهٔ مستضعف وجود ندارد. امام باقر علیه السلام دربارهٔ وضعیت اقتصادی مردم پس از ظهور، می‌فرماید : «آن‌چنان میان مردم مساوات برقرار می‌کند که نیازمندی پیدا نخواهد شد تا به او زکات داده شود»<sup>۴</sup>.

۱- الخصال، ج ۲، ص ۶۱۶، تحف العقول، ص ۱۰۴.

۲- بخشی از دعای افتتاح که معمولاً در شب‌های مبارک رمضان خوانده می‌شود.

۳- القیبة، طوسی، ص ۴۹.

۴- حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، ناصر مکارم شیرازی، ص ۲۶۶.

در جامعه مهدوی خبری از فقر و بینوایی نیست. حس تعاون و یاری دادن به یکدیگر در همه جا دیده می‌شود. مردم تا آنجا نسبت به یکدیگر اطمینان دارند که اجازه برداشت از اموال شخصی خود را به دیگری می‌دهند.

**۲- آبادانی:** براساس وعده قرآن کریم که فرموده است:

«اگر اهالی شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، درهای برکات از آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم».

برکت و آبادانی همه سرزمین‌ها را فرا می‌گیرد. برای مثال، اگر کسی سرزمین‌های بین عراق و شام را که بسیاری از قسمت‌های آن در حال حاضر کویری است، ببیناید، همه را سرسبز و خرم خواهد دید.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در آن هنگام زمین، ذخایر خود را آشکار می‌کند و برکات خود را ظاهر می‌سازد».

**۳- شکوفایی عقل و علم:** این دوران زمان کامل شدن عقل‌های آدمیان است و با توجه و لطف ویژه‌ای که امام زمان علیه السلام به همه انسان‌ها می‌کند عقل آنان کامل می‌شود.<sup>۲</sup>

همه مردم به کسب دانش و فهم اسرار هستی علاقه نشان می‌دهند و از رازهای هستی یکی پس از دیگری پرده برمی‌دارند. اگر دانشی که بشر از ابتدای خلقتش تا زمان ظهور به دست آورده، به اندازه دو حرف از بیست‌وهشت حرف باشد، در عصر مهدوی به تعداد سایر حروف بر دانش بشر افزوده می‌شود.<sup>۳</sup>

**۴- امنیت کامل:** یکی از اهداف مبارزات گسترده انسان‌های آزاده، تلاش‌های مصلحان اجتماعی و مجاهدت مجاهدان و مبارزان راه حق، این بوده است که انسان‌ها با امنیت کامل در کنار هم زندگی کنند. امام عصر علیه السلام این آرزوی بشر را محقق می‌کند.

در آن دوران، اگر کسی از شرق یا غرب عالم، شب یا روز، زن یا مرد و به تنهایی به سمت دیگر حرکت کند، احساس ناامنی و ترس نمی‌کند، از دزدی اموال و ثروت دیگران خبری نیست.

۱- سورة اعراف، آیه ۹۶.

۲- الخصال، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۲۶.

۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۵- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۶- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

## ۵- فراهم شدن زمینه رشد و کمال: از همهٔ موارد فوق مهم‌تر اینکه، در جامعهٔ مهدوی

زمینه‌های رشد و تکامل همهٔ افراد فراهم است. انسان‌ها بهتر می‌توانند خدا را بندگی کنند، فرزندان صالح به جامعه تقدیم نمایند و خیرخواه دیگران باشند. بدین ترتیب، انسان‌ها به هدفی که خدا در خلقت برای آنها تعیین کرده، بهتر و آسان‌تر می‌رسند.

### بیشتر بدانیم

امروزه با واقعیتی به نام «جهانی شدن» (Globality) مواجهیم که باید رابطهٔ آن را با موضوع مهدویت بررسی کنیم. یک معنای ابتدایی جهانی شدن، گسترش ارتباطات میان انسان‌ها و افزایش تأثیر متقابل اقوام، ملت‌ها و کشورها بر یکدیگر است؛ به گونه‌ای که کمتر اتفاقی در گوشه‌ای از عالم رخ می‌دهد که مردم دیگر سرزمین‌ها از آن بی‌خبر بمانند و حیات اجتماعی آنان از این اتفاق تأثیر نپذیرد. پیدایش ابزارهای ارتباطی نوین، ارتباط میان انسان‌ها را در نقاط مختلف کرهٔ زمین چنان توسعه داده است که گویی مانند مردم یک دهکده از اخبار هم‌خبر دارند. از همین جاست که مفهوم «دهکده جهانی» (Global village) شکل گرفته است.

با پدیدار شدن این واقعیت، قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر برنامه‌ریزی می‌کنند که فرهنگ، اندیشه و شیوهٔ زندگی مورد پسند خود را جهانی کنند و بر سایر مردم تحمیل نمایند.

آنها برای رسیدن به این منظور، از شبکه‌های بزرگ تلویزیونی و رادیویی، ماهواره‌ها، سایت‌های متنوع اینترنتی، فیلم‌های سینمایی، فضای مجازی، سازمان‌های گستردهٔ اطلاعاتی و جاسوسی ... بهره می‌گیرند که ابزار گسترش فرهنگ قدرت‌های بزرگ و به خصوص آمریکا هستند.

قدرت‌های بزرگ با این شیوه‌ها از یک طرف به شکلی بسیار غیرمستقیم و از زبان ملت‌ها، شکاف میان نسل‌ها را چنان بزرگ می‌کنند که نسل جدید احساس کند که دیگر نمی‌تواند با فرهنگ خود ارتباط برقرار سازد و از طرف دیگر، عناصر فرهنگ خودشان، مانند نوع پوشش، سبک معماری، نوع غذا، شیوه‌های معاشرت و حتی هدف‌ها و آرمان‌های زندگی و به طور کلی شیوهٔ زندگی خود را در زیباترین قالب‌های تبلیغی عرضه می‌کنند تا ملت‌ها را دنباله‌رو خود سازند.

حال که جهانی شدن ارتباطات و تبدیل جهان به یک دهکده، این فرصت را ایجاد کرده است که افکار و عقاید در میدان جهانی به رقابت برخیزند، کدام عقیده و کدام روش زندگی لیاقت دارد به طور طبیعی مورد پذیرش ملت‌های مختلف قرار گیرد؟ چنین به نظر می‌رسد که عقیده‌ای با شاخصه‌های زیر می‌تواند جهانی شود:

(الف) با فطرت انسانی و ویژگی‌های فطری او سازگار باشد.

(ب) مبتنی بر عقلانیت و قابل دفاع عقلی باشد.

ج) توانایی پاسخگویی به نیازهای اصلی دنیای امروز، مانند عدالت اجتماعی را دارا باشد.  
د) از پشتوانه و تأیید الهی برخوردار باشد.  
ه) یک رهبر معصوم و مورد اعتماد، مبلغ آن باشد.  
با تأملی در عقاید اسلامی و دیدگاه تشیع درباره مهدویت، این پنج شاخصه را در آن می‌بینیم. جهانی شدن، فرصت مناسبی برای جهانی‌سازی اندیشه اسلامی با استفاده از تبلیغ سازنده و مثبت است. معتقدان به مهدویت و ظهور امام مهدی علیه السلام باید با حضور فعال و مؤثر در صحنه‌های جهانی و نشان دادن نقاط ضعف اندیشه‌های دیگر، زمینه‌های ظهور را بیشتر فراهم کنند.

### اندیشه و تحقیق

- ۱- از دیدگاه قرآن کریم، آینده تاریخ از آن چه کسانی است؟
- ۲- معتقد بودن به انتظار، چه تأثیرهایی بر شخصیت فرد منتظر دارد؟
- ۳- این جمله را تحلیل کنید: «منتظران مصلح، خود باید صالح باشند».

### پیشنهاد

- ۱- یکی از دعا‌های مهمی که ارتباط ما را با امام عصر علیه السلام تقویت می‌کند، دعای عهد است. این دعا را در کتاب مفاتیح الجنان بیابید؛ آن را مطالعه کنید و ببینید که در این دعا چه عهدی مطرح شده است.
- ۲- با توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی که در بخش «برای مطالعه» آمده، توضیح دهید که «انتظار مثبت» چه تفاوت‌هایی با «انتظار منفی» دارد.

مشتاق و منتظر امام زمان علیه السلام این گونه با خود نجوا می کند :

عمری است که از حضور او جاماندم  
در غربت سرد خویش تنها ماندم  
او منتظر است تا که ما برگردیم  
ماییم که در غیبت کبری ماندم

و می سراید :

صبحی گره از زمان و خواهد شد  
راز شب تاریب ملا خواهد شد  
در راه، عزیزی ست که با آمدنش  
هر قطب نما قبله نما خواهد شد

و از عدم آمادگی خود و جامعه سخن می گوید که :

قطعه گمشده ای از پر پرواز کم است  
یا زده بار شمردیم و یکی باز کم است  
این همه آب که جاری است نه اقیانوس است  
عرق شرم زمین است که سرباز کم است

و با بیانی صمیمی، انتظار خود را این گونه ترسیم می کند :

از نو شکفت نرگس چشم انتظاری ام  
تا شد هزار پاره دل از یک نگاه تو  
گر من به شوق دیدنت از خویش می روم  
بود و نبود من همه از دست رفته است  
گل کرد خار خار شب بی قراری ام  
دیدم هزار چشم، در آینه کاری ام  
از خویش می روم که تو با خود بیاری ام  
باری، مگر تو دست بر آری به بیاری ام  
مرهم نهاد نام تو بر زخم کاری ام  
بارود، رو به سوی تو دارم که جاری ام  
زان پیش تر که پاک شود یاد گاری ام  
باناخنم به سنگ نوشتم : بیایا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ  
(١١٩) مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ  
أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ  
عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بَأْنَهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ  
وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا  
يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كَتَبَ  
لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَلِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ  
(١٢٠) وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً  
وَلَا يَقْطَعُونَ وَاذِيًّا إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ  
أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (١٢١) وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ  
لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ  
مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا  
قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (١٢٢)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با کسانی باشید که

راستگویند ﴿۱۱۹﴾

مردم مدینه و بادیه‌سینان پیرامونشان حق ندارند از همگامی با رسول خدا سر باز بزنند و نباید [جان خود را از جان پیامبر عزیزتر بدانند و] به خود پردازند.

چرا که هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد و در هیچ سرزمینی که کافران را به خشم می‌آورد گام نمی‌نهند و از هیچ دشمنی غنیمتی به دست نمی‌آورند مگر اینکه برای آنان در برابر هریک از آنها عملی شایسته

نوشته می‌شود و خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند. ﴿۱۲۰﴾

هیچ مال کم یا زیادی را انفاق نمی‌کنند و هیچ مسافت و وادی ای را نمی‌بیمابند، مگر اینکه برای آنان نوشته می‌شود، تا خدا آنان را به بهتر از آنچه

می‌کردند پاداش دهد. ﴿۱۲۱﴾

و نمی‌شود که مؤمنان، همگی [برای آموزش دین] اعزام شوند، پس چرا از هرگروهی، جمعی از آنها اعزام نشوند تا دانش دین را [به طور عمیق] بیاموزند و آنگاه که به سوی قوم خویش بازگشتند، آنها را هشدار دهند، باشد که آنان

[از کیفر الهی] بترسند. ﴿۱۲۲﴾



همان طور که در درس های گذشته عنوان شد دو مورد از مسئولیت های رسول خدا ﷺ پس از ایشان به ائمه اطهار علیهم السلام منتقل شد و آنان به عنوان حجت های خدا در روی زمین، این مسئولیت ها را برعهده گرفتند و در همین راستا، به ارشاد و هدایت مردم برخاستند و برای برپایی حکومت الهی و اقامه قسط و عدل، جهاد و مبارزه کردند.

در این درس به بررسی پاسخ دو سؤال زیر می پردازیم:  
 آیا این دو مسئولیت در دوره غیبت کبری استمرار می یابد؟  
 یا مردم به خود واگذار شده اند و دین در این زمینه برنامه ای ندارد؟

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید :

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً، فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُم طَائِفَةٌ، لَيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

«و نمی‌شود که مؤمنان، همگی [برای آموزش دین] اعزام شوند، پس چرا از هر گروهی، جمعی از آنها اعزام نشوند تا دانش دین را [به طور عمیق] بیاموزند و آن‌گاه که به سوی قوم خویش بازگشتند، آنها را هشدار دهند، باشد که آنان [از کفر الهی] بترسند.» سوره توبه، آیه ۱۲۲  
با توجه به آیه بالا به سؤال‌های زیر پاسخ دهید :

۱- به نظر شما، چرا خداوند حتی در زمان پیامبر و با وجود حضور ایشان، عده‌ای را تشویق به فراگیری علم دین می‌کند؟

۲- آیا آموختن عمیق دین و بیان تعالیم آن، اختصاص به زمان پیامبر دارد؟ چرا؟

### ضرورت تداوم مسئولیت‌های امام در عصر غیبت

از آنجا که دین اسلام همیشگی و برای همه دوران‌هاست، ضروری است که این دو مسئولیت یعنی «مرجعیت دینی» و «ولایت و رهبری» در عصر غیبت ادامه یابد؛ زیرا :

۱- اگر «مرجعیت دینی» ادامه نیابد، یعنی متخصصی نباشد که احکام دین را بداند و برای مردم بیان کند و پاسخگوی مسائل جدید مطابق با احکام دین نباشد، مردم با وظایف خود آشنا نمی‌شوند و نمی‌توانند به آن وظایف عمل کنند.

۲- اگر «ولایت ظاهری» ادامه نیابد و حکومت اسلامی تشکیل نشود، نمی‌توان احکام اجتماعی اسلام را که نیازمند مدیریت و پشتوانه حکومتی است، در جامعه به اجرا درآورد.  
حال سؤال این است که در دوره غیبت، مسئولیت‌های مربوط به امامت، چگونه ادامه می‌یابد و مسلمانان از چه راهی به احکام و قوانین دین، دسترسی پیدا می‌کنند و این قوانین چگونه در جامعه پیاده می‌شود؟

### راهکار پیامبر و امامان علیهم‌السلام برای عصر غیبت

در همان زمان ائمه علیهم‌السلام، مردمانی در شهرهای دوردست بودند که به امامان دسترسی نداشتند و نمی‌توانستند احکام دین را از ایشان بشنوند و از فرمان‌های آنان مطلع شوند. از این رو، آن بزرگواران

دانشمندانی را تربیت می‌کردند که در حدّ توان به معارف و احکام دین دست یابند. این دانشمندان به نقاط مختلف شهر خود و یا شهرهای دیگر می‌رفتند و احکام اسلام را به مردم می‌آموختند. اگر مردم نیز پرسشی داشتند، آنان بر اساس دانشی که از قرآن کریم و روایات داشتند، به آن پرسش پاسخ می‌دادند.

### بیشتر بدانیم

- ۱- یکی از یاران امام رضا علیه السلام به نام علی بن مسیب همدانی به امام عرض کرد: برای من مشکل است که در هر زمانی نزد شما بیایم و معارف دینی را از شما بگیرم.
- ۲- امام به ایشان فرمود: می‌توانی از زکریا بن آدم قمی که از نظر دین و دنیا امین است، بررسی<sup>۱</sup>.
- ۳- ابن ابی عمیر به امام صادق عرض کرد: گاهی سؤالی برای ما مطرح می‌شود. از چه کسی پرسیم و پاسخ را بگیریم؟
- ۴- امام فرمود: از ابوبصیر<sup>۲</sup>.

این روش، برگرفته از قرآن کریم است. خداوند در قرآن کریم دستور می‌دهد گروهی از مردم، وقت و همت خود را صرف شناخت دقیق دین کنند و به «تفقه» در دین پردازند تا پس از کسب علم به شهرهای خود بروند و قوانین اسلام را به مردم بیاموزند. تفقه، به معنای تلاش برای کسب معرفت عمیق است. افرادی که به معرفت عمیق در دین می‌رسند و می‌توانند قوانین و احکام اسلام را از قرآن و روایات به دست آورند، «فقیه» نامیده می‌شوند. مسلمانان وظیفه دارند در زمان غیبت امامان یا عدم امکان دسترسی به ایشان، به این فقیهان مراجعه کنند. به احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در این زمینه توجه کنید:

### ۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد، سخت‌تر از حال یتیمی است که پدر را از دست داده است؛ زیرا چنین شخصی، در مسائل زندگی، حکم و نظر امام را نمی‌داند. البته اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگران را که به احکام ما آشنا نیستند، راهنمایی کند و دستورات دین را به آنها آموزش دهد. در این صورت، او در بهشت با ما خواهد بود.<sup>۳</sup>

۱- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۲۷، ص ۱۴۶

۲- ابوبصیر یکی از یاران نزدیک امام صادق علیه السلام بود.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۲.

۴- مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۱۷، ص ۳۱۷، ح ۲۱۴۵۸.

۲- امام صادق علیه السلام می فرماید :

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ

صَائِتًا لِنَفْسِهِ

حَافِظًا لِدِينِهِ

مُخَالَفًا لِهَوَاهُ

مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ

فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ... .

هر کس از فقیهان که

نگهدارنده نفس خود،

نگهبان دین خود،

مخالفت کننده با هوی و هوس خود،

فرمان بردار مولایش باشد

پس، بر مردم است که از او پیروی کنند.<sup>۱</sup>

۳- امام عصر علیه السلام در پاسخ به یکی از یاران خود به نام اسحاق بن یعقوب که درباره «رویدادهای

جدید» عصر غیبت سؤال کرد و راه چاره را پرسید، فرمود :

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ

فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُرَّاءِ حَدِيثِنَا

فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ

وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

و در مورد رویدادهای زمان

به راویان حدیث ما رجوع کنید.

که آنان حجت من بر شمایند

و من حجت خدا بر آنها می باشم.<sup>۲،۳</sup>

## تفکر در حدیث

| شماره حدیث | با تفکر در احادیث فوق، مشخص کنید که هر پیام با کدام حدیث ارتباط دارد.   |
|------------|---|
| .....      | ۱- فقیه کسی است که با مطالعه دقیق منابع اسلامی به مرحله‌ای از تخصص در دین رسیده است و می‌تواند احکام اسلام را به دست آورد و برای مردم بیان کند.   |
| .....      | ۲- فقیه باید بتواند احکام مسائل و رویدادهای جدید را نیز که در زمان پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و امامان <small>علیهم السلام</small> اتفاق نیفتاده است به دست آورد. |
| .....      | ۳- مردمی که می‌خواهند براساس قوانین اسلام زندگی کنند، اما به پیامبر و امام دسترسی ندارند، باید به فقیهی که شرایط ویژه‌ای دارد، مراجعه نمایند.   |

این روایات بیانگر آن است که مسلمانان در غیبت امام، نه تنها در احکام و مسائل فردی، بلکه در مسائل اجتماعی هم، باید به «فقیه» مراجعه کنند. روشن است که انجام چنین وظیفه‌ای، جز با نفی حاکمان طاغوت و تشکیل «حکومت اسلامی» به رهبری فقیه میسر نیست.

۱- بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۲، ص ۸۸.

۲- کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، باب ۴۵، ص ۴۸۳.

۳- مقصود امام از راویان حدیث آن دسته از راویان حدیث اند که بتوانند رویدادهای جدید زمان را بشناسند و توانایی تفقه در حدیث را داشته باشند و با مراجعه به احادیث، حکم درست آن رویداد را برای مردم بیان کنند.

## بنابراین :

در دورهٔ غیبت، بنا به فرمان امام زمان علیه السلام و به نیابت از ایشان، «فقیهان» واجد شرایط، دو مسئولیت «مرجعیت دینی» و «رهبری و ولایت» را برعهده دارند و در حدّ توان، جامعهٔ اسلامی را در مسیر اهداف الهی هدایت و رهبری می‌کنند.

در این میان، گروهی از فقیهان، احکام و قوانین دین را در اختیار مردم قرار می‌دهند. کسانی که در احکام دین متخصص نیستند، به این متخصصان مراجعه می‌کنند و احکام دین را از آنان می‌آموزند. این مراجعه را پیروی یا «تقلید» می‌گویند البته این مراجعه، یک روش رایج عقلی است؛ یعنی انسان در امری که تخصص و مهارت ندارد، به متخصص آن مراجعه می‌کند. پس، تقلید در احکام، به معنای رجوع به متخصص است. چنین فقیهی را نیز مرجع تقلید می‌نامند.

همچنین از میان فقیهان کسی که توانایی سرپرستی و ولایت جامعه را دارد، عهده‌دار حکومت می‌شود و قوانین الهی را در جامعه به اجرا درمی‌آورد. فقیهی که این مسئولیت را برعهده می‌گیرد، ولی فقیه<sup>۱</sup> می‌گویند.

بدین ترتیب در عصر غیبت :

۱- «مرجعیت دینی» در شکل «مرجعیت فقیه» ادامه می‌یابد.

۲- «ولایت ظاهری» امامان به صورت «ولایت فقیه» استمرار پیدا می‌کند.

### شرایط مرجع تقلید

مرجع تقلید باید شرایط زیر را داشته باشد :

۱- بانقوا<sup>۲</sup> باشد.

۲- عادل<sup>۳</sup> باشد.

۳- زمان‌شناس باشد و بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز، به دست آورد.

۴- اعلم باشد؛ یعنی از میان فقها از همه عالم‌تر باشد.

## راه‌های شناخت مرجع تقلید

شناخت متخصص در احکام دین، مانند شناخت هر متخصص دیگر است. ما همان‌طور که برای یافتن بهترین پزشک، معمار یا مهندس، تحقیق و جست‌وجو می‌کنیم، برای شناخت فقیه واجد شرایط نیز باید تحقیق نماییم و یکی از راه‌های زیر را پیش گیریم.

۱- ولی به معنای حاکم و سرپرست است. ولی فقیه، یعنی حاکمی که در دانش دین تخصص دارد و به فهم عمیق رسیده است.

۲- نقوا یک حالت و قدرت روحی است که مانع رفتن انسان به سوی گناه می‌شود و مانند حافظ و نگهدارندهٔ از گناه عمل می‌کند. هر قدر که نقوا بیشتر باشد، حرکت به سمت گناه کمتر است.

۳- عدالت، مراتب دارد. عدالت پیامبر و امام به معنای دوری از هرگونه ظلم است. عدالت فقیه باید آن قدر باشد که مرتکب گناه آشکار نشود. عدالت یک فرد عادی باید به اندازه‌ای باشد که مردم به وی اعتماد کنند و به دروغ‌گویی و گناه مشهور نباشد.

- ۱- از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتواند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهد، بپرسیم.
- ۲- یکی از فقیهان، در میان اهل علم آن چنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود و بداند که این فقیه، واجد شرایط است.

### فعالیت کلاسی \*

- ۱- اگر کسی که به سنّ تکلیف رسیده است، مرجع تقلید خود را انتخاب نکند، اعمال وی چگونه خواهد بود؟
- ۲- شما با چه روشی مرجع تقلید خود را انتخاب کرده‌اید؟

### شرایط ولی فقیه

- فقیهی که رهبری جامعه اسلامی را بر عهده می‌گیرد باید شرایط زیر را داشته باشد:
- ۱- باتقوا باشد.
  - ۲- عادل باشد.
  - ۳- زمان شناس باشد و بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز به دست آورد.
  - ۴- مدیر و مدبّر باشد و بتواند جامعه را در شرایط پیچیده جهانی رهبری کند.
  - ۵- شجاعت و قدرت روحی داشته باشد و بدون ترس و واهمه در برابر زیاده‌خواهی دشمنان بایستد. در اجرای احکام دین از کسی نترسد و با قدرت، در مقابل تهدیدها بایستد و پایداری کند.
- حکومت و رهبری فقیهی که شرایط فوق را دارد، مشروع است؛ یعنی دین به او اجازه رهبری مردم را داده است. در غیر این صورت، پیروی از دستورات وی حرام است.<sup>۱</sup>
- علاوه بر این، ولی فقیه باید از جانب مردم پذیرفته شده باشد تا بتواند کشور را اداره کند و به پیش برود. یعنی، فقیه باید نزد مردم جامعه خود، «مقبولیت» داشته باشد.
- پس تشکیل نظام و حکومت اسلامی، بر دو پایه «مشروعیت» و «مقبولیت» استوار است.

### چگونگی انتخاب ولی فقیه

از آنجا که ولی فقیه، بیان‌کننده قوانین و مقررات اجتماعی اسلام است، انتخاب وی نمی‌تواند مانند انتخاب مرجع تقلید باشد؛ یعنی نمی‌شود که هر کس به طور جداگانه برای خود ولی فقیه انتخاب کند؛ زیرا اداره جامعه تنها با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان‌پذیر است؛ در غیر این صورت، هرج و مرج و تفرقه و پراکندگی پیش می‌آید و این، یک امر روشن و بدیهی در تمام نظام‌های سیاسی دنیاست. پس، مردم در انتخاب ولی فقیه باید به صورت دسته‌جمعی اقدام کنند و فقیهی را که شرایط رهبری دارد، با آگاهی و شناخت بپذیرند، به وی اعتماد و اطمینان کنند و رهبری جامعه را به وی بسپارند.

\* این فعالیت واگرا می‌باشد.

۱- صحیفه امام خمینی، ج ۹، ص ۲۵۳.

مردم کشور ما در زمان انقلاب اسلامی به شیوه‌ای مستقیم و با حضور در اجتماعات و راه‌پیمایی‌های سراسری، رهبری امام خمینی علیه السلام را پذیرفتند و با ایشان پیمان یاری بستند. اکنون نیز بنا بر قانون اساسی، مردم ابتدا نمایندگان خبره خود را انتخاب می‌کنند و آن خبرگان نیز از میان فقها آن کسی را که برای رهبری شایسته‌تر تشخیص دهند، به جامعه اعلام می‌کنند. بر این مبنا بود که پس از رحلت امام خمینی علیه السلام حضرت آیت الله خامنه‌ای مسئولیت رهبری جامعه را برعهده گرفتند. طبیعی است که چنین فقهی تا وقتی رهبر جامعه است که شرایط ذکر شده را داشته باشد. تشخیص این امر نیز بر عهده مجلس خبرگان است.

### بیشتر بدانیم

چرا در برخی از موضوعات، نظرات فقیهان متفاوت می‌شود؟  
 فقه یک رشته تخصصی است که فقیه پس از طی مدارج علمی در موضوعاتی مانند ادبیات عرب، منطق، حدیث، تفسیر، علم اصول، علم رجال، درایة الحدیث و آشنایی با برخی رشته‌های دیگر مانند تاریخ اسلام و علم کلام، وارد آن می‌شود و پس از سال‌ها تحصیل به این توانایی دست می‌یابد که بتواند با مراجعه به قرآن و سنت و سیره معصومین علیهم السلام و با به کار گرفتن قواعد و اصول خاص، مسائل فقهی را پاسخ دهد. از آنجا که فقیهان، معصوم نیستند، ممکن است به خاطر تفاوت روش‌ها و برداشت‌ها اشتباه کنند و میان یک فقیه با فقیه دیگر درباره یک مسئله اختلاف نظر پیش آید. این اختلاف نظر، شبیه به اختلاف نظر میان پزشکان است که ممکن است یک پزشک با معاینه بیمار و بر مبنای مطالعات علمی خود به تشخیصی برسد و پزشک دوم به تشخیص دیگری. البته به میزانی که مسئله، پیچیده‌تر و دقیق‌تر می‌شود، احتمال اختلاف نظر افزایش می‌یابد. به همین جهت است که مردم باید تلاش کنند آن فقهی را که از دیگران داناتر است، شناسایی کنند و از او پیروی نمایند تا احتمال خطا کاهش یابد.

### اندیشه و تحقیق

- ۱- مقصود از «تقلید» در احکام دینی چیست؟
- ۲- تقلید برای چه کسانی لازم است و شامل چه زمینه‌هایی می‌شود؟
- ۳- چرا مرجع تقلید باید «عادل» و «زمان‌شناس» باشد؟
- ۴- انتخاب ولی فقیه در کشور ما چگونه انجام می‌گیرد و مردم از چه طریقی در انتخاب ایشان دخالت دارند؟

### پیشنهاد

- ۱- در خصوص فقهایی که در جامعه امروز ما به عنوان مرجع تقلید شناخته می‌شوند تحقیق کنید و اسامی آنان را در کلاس بیان کنید.
- ۲- اصل ۱۰۷ قانون اساسی را که مربوط به انتخاب رهبر است، مطالعه کنید و چگونگی انتخاب ولی فقیه را توضیح دهید.

